



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم‌کار، حسام‌الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطر
جستاری در علل ظهور عمل‌گرایی در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش‌نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت‌های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس‌گرای سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت‌های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law,
University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

Hesamodin Torkaman

Doctoral student of private law, University of Religions and
Religions, Qom, Iran

Shahrooz Darbandi

Doctoral student of Public International Law, Department of
Humanities, Islamic Azad University, Qeshm International
Branch, Qeshm, Iran

تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان

رضا حسین گندم کار

دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
rh.gandomkar@qom.ac.ir

حسام الدین تورکمن

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
t1locean@gmail.com

شهرزاد دربندی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد بین المللی قشم، قشم، ایران

shahrooz_d@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-9691-7010>

Abstract

It may happen that due to the conflict between the citizenship laws of the countries, a person has dual citizenship. In order to distinguish practical or effective citizenship, pieces of evidences and circumstances should be considered and it should be considered which government a person belongs to and is more dependent on in practice. In this sense, the place of residence, the citizenship of the person's spouse and even the passport that has been used, and finally the choice of the person himself, which is also very decisive, are taken into consideration. Slow the importance of citizenship comes from the fact that since an individual does not have an unquestionable position in international law, the government is a means of providing this position for him, so the support that the government can give to an individual depends on the works and role of the individual citizenship relationship. This research with a descriptive-analytical method states that in Iranian laws, the original citizenship through the blood system and paternal relationship and the Jus Soli system has been accepted with completely exceptional conditions and in a partial way, while it has given more priority to the blood principle. In English law, which is subject to the common law legal system, it has accepted the system of land and residence and modified it with the principle of blood.

Keywords: England, Iran, Dual Nationality, Common Law, Jus Soli.

چکیده

بسا اتفاق می افتد که به واسطه تعارض بین قوانین تابعیت کشورها شخص دارای تابعیت مضاعف می شود. برای تشخیص تابعیت عملی یا مؤثر باید قرائن و احوال در نظر گرفته شود و سنجیده شود که فرد در عمل به کدام دولت تعلق و وابستگی بیشتری دارد. از این لحاظ محل سکونت، تابعیت همسر شخص و حتی گذرنامه ای که مورد استفاده قرار گرفته است و نهایتاً انتخاب خود شخص که بسیار تعیین کننده نیز است، مورد توجه قرار می گیرد. اهمیت تابعیت از آن جا ناشی می شود که چون فرد، جایگاه مسلم و بی چون و چرایی در حقوق بین الملل ندارد دولت ابزار فراهم ساختن این جایگاه برای وی است پس حمایتی که دولت می تواند به فرد بدهد از آثار و نقش های رابطه تابعیت است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بیان می کند که قوانین ایران، تابعیت اصلی از طریق سیستم خون، نسبت پدری و سیستم خاک را با شرایط کاملاً استثنایی و به صورت جزئی پذیرفته است، در حالی که به اصل خون رجحان بیشتری داده است، اما در حقوق انگلستان که تابع نظام حقوقی کامن لا می باشد سیستم خاک و اقامتگاه پذیرفته شده و آن را نیز با اصل خون تعدیل کرده است.

واژگان کلیدی: انگلستان، ایران، تابعیت مضاعف، حقوق کامن لا، سیستم خاک و خون.

ارجاع:

حسین گندم کار، رضا؛ ترکمن، حسام الدین؛ دربندی، شهروز؛ (۱۴۰۳)، تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

خانواده یک واحد کوچک از اجتماع است که هر چقدر این واحد کوچک مستحکم تر باشد، اجتماع نیز از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. به همین دلیل است که قوانین کشورها از هر حیث باید این هدف را در خانواده تأمین نماید (توسلی و پورمراد، ۱۳۹۶، ۱۰). یکی از مهم ترین موارد حکومتی که بیشتر کشورهای جهان با آن درگیر هستند، کسب تابعیت است. همان طور که می دانیم تابعیت به معنای تعلق فرد به یک دولت مشخص و خاص است که این مسئله آثار حقوقی و مدنی بسیاری را برای شخص به بار می آورد اما در این میان وجود دارند برخی از افراد که از تابعیت مضاعف برخوردار هستند. منظور از این نوع تابعیت چیست؟ و چه شرایطی را برای شخص به همراه می آورد؟ سیستم خاک و خون برای کسب تابعیت در کشورهای مختلفی اعمال می شود. به همین دلیل ممکن است شخصی قادر باشد از طریق سیستم خون، تابعیت دولت متبوع پدر و از طریق محل تولد، تابعیت خاک کشور دیگری را به دست آورد. به چنین شخصی دوتابعیتی گفته می شود زیرا هم از طریق سیستم خاک و هم از طریق سیستم خون تابعیت دریافت کرده است. ممکن است برخی تصور کنند که دوتابعیتی بودن مزایای زیادی برای آنها در پی دارد اما باید بگوییم این مسئله بیشتر چالش ها و مشکلات فرد را افزایش می دهد.

مشکلاتی که در زمینه تابعیت مضاعف برای بسیاری از مردم دنیا پیش آمده است، منجر شده است تا

نظام‌های حقوقی داخلی در ایران و دیگر کشورها به دنبال آن باشند که قوانین و مقرراتی را وضع نموده و از بروز دوتابعیتی پیشگیری نمایند. برای این موضوع، راه‌حل‌های تئوریک بسیاری ارائه شده است اما در نهایت این دولت‌ها هستند که با وضع قوانین مشخص، می‌توانند در خصوص این نوع تابعیت تصمیم‌گیری کنند. تابعیت دوگانه به تابعیتی گفته می‌شود که شخص به صورت همزمان، شهروند دو کشور و دولت مختلف است. این مسئله منجر می‌شود تا فرد بتواند به امکانات شهروندی هر دو کشور و دولت دست یابد، از جمله دریافت پاسپورت، رفت و آمد به کشورهای مورد نظر به صورت آزادانه و استفاده از حقوق و مزایای شهروندی هر دو کشور. البته باید گفت در کنار تمامی این موارد، افرادی که دوتابعیتی هستند ملزم به پرداخت مالیات، رعایت قوانین، گذراندن خدمت نظام وظیفه و... در هر دو کشور نیز هستند. کشورهای بسیاری در جهان وجود دارند که تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسند که در این میان باید به جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره کنیم البته در این میان تعداد کشورهایی که تابعیت دوگانه را در جهان به رسمیت می‌شناسند، بیشتر است. از این رو بسیاری از مردم جهان تمایل دارند تابعیت دوگانه داشته باشند تا بتوانند در هر کشوری که تمایل دارند زندگی کنند. از سوی دیگر، در صورت بروز هرگونه مشکلی، این افراد می‌توانند از حقوق شهروندی کشورهای تابع آن استفاده کنند.

حالت عمومی دارا شدن تابعیت جمهوری اسلامی ایران و انگلستان به دو طریق تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی امکان‌پذیر است. تابعیت اصلی که اعمال سیستم خون یا تابعیت نسبی می‌باشد، بر اساس آن تابعیت هر شخص بر اساس تابعیت والدینش تعیین می‌گردد. روش دیگر سیستم خاک است که به موجب آن، «تولد»، تعیین‌کننده تابعیت اصلی می‌باشد که برای فرد اراده‌ای در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش تابعیت وجود ندارد و بر اساس اعمال اصل خون و اصل خاک اعطاء می‌شود. در تابعیت اکتسابی فرد با اعلام خود مبنی بر پذیرش تابعیت کشوری اقدام می‌کند که با موافقت دولت عمل اعطای تابعیت شکل نهایی به خود می‌گیرد و در تابعیت اکتسابی فرد در صورت احراز شرایط اعلام شده از طرف دولت مجاز به کسب آن می‌باشد که از طریق تقاضا، ازدواج و فرزندخواندگی به وجود می‌آید. به بیان دیگر در تحصیل یا تغییر تابعیت هم اراده شخص را می‌توان متصور شد و هم شرایطی را که دولت‌ها وضع می‌کنند. با تلفیق این دو مسئله، رابطه تحصیل تابعیت به طور کامل شکل می‌گیرد.

در این پژوهش که به منظور مطالعه تطبیقی اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان می‌باشد، لازم دانستیم جهت بررسی مسائلی همانند بی‌تابیتی، تابعیت مضاعف در ازدواج و غیره به روش توصیفی و تحلیلی به بررسی وجوه اشتراک و افتراق و مشکلات و ابهامات اعطای تابعیت از نظر شکلی و ماهوی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان بپردازیم. لذا با این فرضیات که بین اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان از نظر شکلی و ماهوی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد، به چنین نتایجی دست یافتیم که در قوانین مربوط به دولت جمهوری اسلامی ایران تابعیت اصلی از روش سیستم خون و همچنین نسبت پدری و سیستم خاک را به‌صورت کاملاً استثنایی و به‌صورت جزئی پذیرفته و حتی به اصل خون رجحان بیشتری داده است، در صورتی که در حقوق دولت انگلستان که تابع نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد، سیستم خاک و اقامتگاه پذیرفته شده و آن را با اصل خون تعدیل کرده است. در سطح بین‌المللی اقامتگاه هر شخص باید معلوم و مشخص باشد. اصولاً هر فرد دارای اقامتگاهی است و ممکن است این اقامتگاه در کشور متبوع وی باشد یا بنا به مقتضیات شغلی یا به هر دلیلی به کشورهای مختلف رفت و آمد داشته باشد که در این صورت باید دانست اقامتگاه وی در کدام یک از این کشورها است (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۵۱).

۱- مفهوم تابعیت، آثار و ویژگی‌های آن

تابعیت به رابطه معنوی، حقوقی و سیاسی یک فرد با یک دولت گفته می‌شود اما در انواع ملیت‌ها، تنها رابطه معنوی مدنظر است. بنابراین در تابعیت و ملیت، جنبه‌ای معنوی با کشور مقصد وجود دارد، که این امر سبب تفاوت با اقامت دائم می‌شود. منظور از اقامت دائم، مجوز حضور طولانی مدت در کشور مقصد است و وجود «بعد معنوی»، مطرح نمی‌باشد. تابعیت و ملیت سبب شده که فرد نسبت به یک کشور، احساس تعلق داشته و خود را عضوی از آن تلقی نماید. منظور از ملیت، رابطه معنوی است که یک فرد با کشور خاص دارا است. بنابراین برخلاف مفهوم تابعیت، که ارتباط سیاسی و حقوقی میان دولت و فرد حکمفرما است و شرایط آن در قانون معین می‌شود، در ملیت، تنها بعد معنوی بین تبعه و کشورش وجود دارد.

علاوه بر این، ملیت نشان‌دهنده محلی است که شخص یا والدین او در آن متولد شده‌اند اما تابعیت به

طور قانونی پس از احراز شرایط تابعیت هر کشوری به دست می‌آید. از آن جایی که ملیت با تولد فرد به وی اختصاص داده می‌شود و تا آخر عمر، همراه فرد می‌باشد، می‌توان گفت که برای هر فرد تنها یک ملیت وجود دارد و آن هم، محل تولد وی یا والدین‌اش می‌باشد. در نتیجه در بیان انواع ملیت، می‌توان بیان داشت که به تعداد کشورهای جهان، انواع ملیت وجود دارد و ملیت فقط به یک نوع خلاصه نمی‌شود. در انواع تابعیت هم می‌توان نتیجه‌گیری مطابق قسمت قبل داشت یعنی افراد بسته به کشوری که تابعیت آن را اخذ نموده‌اند، دارای تابعیت‌های مختلف و انواع گوناگونی می‌باشند. در عین حال، کامل‌ترین تعریفی که می‌توان از تابعیت ارائه داد این است که تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که شخصی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۳). اصطلاح تابعیت در نظام حقوقی انگلستان با معنای رایج آن همسو می‌باشد، در هر نظام قانونگذاری این اصطلاح به نوعی پیروی از دولت و پذیرفتن حاکمیت آن دولت توسط تبعه دلالت دارد البته در مصادیق تابعیت تفاوت‌هایی بین ایران و انگلستان وجود دارد (جمشیدی گرجی، ۱۳۹۹، ۳).

واژه تابعیت^۱ و مشتقات آن همچون تبعه و اتباع از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل خصوصی است. تابعیت، یک مفهوم اعتباری است که وابستگی یک شخص حقیقی یا حقوقی را به یک نظام سیاسی موسوم به دولت تأیید می‌کند. تابعیت یک نوع وابستگی سیاسی را برای فرد در قبال جامعه ایجاد می‌نماید و ممکن است افرادی در جهان پیدا شوند که به دلایل مختلف از جمله جنگ‌ها تابعیت خود را از دست داده و تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشند که به آن‌ها بی‌تابعیت یا «آپاترید» می‌گویند. گفتنی است اشخاصی که فاقد تابعیت می‌باشند از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم هستند. تابعیت یک رابطه حقوقی است زیرا دارای اثرات حقوقی در نظام بین‌المللی و نظام داخلی می‌باشد. در نظام بین‌المللی اتباع یک کشور از حمایت سیاسی دولت خود در خارج و نیز حمایت کلیه قواعد پذیرفته شده مابین دولت خود و دول دیگر برخوردارند. در نظام داخلی نیز تبعه از طرفی دارای حقوق سیاسی، مثل حق رای می‌باشد و از طرفی دیگر از کلیه حقوقی که توسط قوانین مدنی و تجاری وضع شده برخوردار است (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۴). مانند این که شما به‌عنوان یک

1- Nationality

فرد ایرانی به هر جایی از این کره خاکی سفر کنید، باز هم ایرانی محسوب می‌شود.

در حقوق بین‌الملل عمومی رابطه تابعیت باعث می‌شود که فرد از حمایت سیاسی دولت متبوع خود برخوردار گردد، حمایتی که یک کشور می‌تواند به شخص ارائه دهد، می‌تواند به صورت مداخله به نفع فرد در صورت اختلاف با کشور دیگر، تأمین منافع از طریق معاهدات، جلوگیری از دخالت دیگر کشورها در زندگی روزمره شخص و موارد مشابه باشد (حدادیان، ۱۳۹۵، ۱۰۸۵). پس تابعیت یک رابطه سیاسی نیز است زیرا از حق حاکمیت دولت ناشی می‌شود. دولت است که تعیین می‌کند چه اشخاصی تبعه آن هستند و یا برای داشتن تابعیت این دولت چه شرایطی باید وجود داشته باشد. در واقع، تابعیت وضع سیاسی فرد را با التزام وفاداری وی به داشتن اعتقاد خالصانه و اطاعت از قوانین دولت برقرار می‌کند و این وفاداری و اطاعت در مقابل حمایتی است که دولت از فرد می‌کند^۲ (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۴).

در خصوص انواع تابعیت باید بیان کرد به دو صورت سیستم خاک و سیستم خون وجود دارد. سیستم خاکی سیستمی است که معمولاً کشورهای مهاجرپذیر آن را اعمال می‌کنند یعنی هر کودکی که در سرزمین آن کشور متولد شود، صرف‌نظر از این که والدینش تابعیت کدام کشور را داشته باشند، به تابعیت کشور محل تولد در می‌آید. سیستم خون که معمولاً از سوی کشورهای مهاجرفرست برای ایجاد تابعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، کودکی که از پدر و مادر یا تنها پدر دارای تابعیت آن کشور در هر نقطه‌ای از جهان متولد شود به تابعیت کشور والدینش در می‌آید. تابعیت بر سه اصل مبتنی است اصل لزوم تابعیت، اصل وحدت تابعیت و اصل تغییرپذیری تابعیت. اعلامیه حقوق بشر به هر کس حق می‌دهد تابعیت یک دولت را داشته باشد. به بیان دیگر، هیچ دولتی نمی‌تواند با تصمیم یک طرفه خود کسی را از داشتن تابعیت محروم یا ملزم به تغییر آن نماید ولی با این حال تابعیت یک امر همیشگی نیست و امکان تغییر آن وجود دارد. متأسفانه به رغم اصول لزوم تابعیت و وحدت تابعیت گاهی اشخاصی یافت می‌شوند که بدون تابعیت هستند یا دارای دوتابعیت می‌باشند. «هانری باتیفول» این دو موضوع را تحت عنوان تعارض تابعیت مورد بحث قرار داده است و بی‌تابعیتی را در اثر تعارض منفی و تابعیت مضاعف را در اثر تعارض مثبت تابعیت می‌داند.

ماده ۹۷۶ قانون مدنی به این موضوع اختصاص داده شده است. نظام ایران در اعطای تابعیت مختلط است یعنی طبق بندهای دوم و چهارم این ماده، از نظام خاک و خون استفاده می‌کند.^۳ تابعیت بر اساس بندهای دوم، سوم، چهارم و پنجم اصلی و بر اساس دو بند ششم و هفتم اکتسابی محسوب می‌شود. قانون مدنی ایران نظام خون یا نسبی را تنها از راه نسب پدری پذیرفته است در نتیجه صرف تولد طفل از مادر ایرانی ولو در ایران، وی را تبعه ایران نخواهد کرد مگر آن که مادر ایرانی نیز در ایران متولد شده باشد. همچنین با توجه به شرط مشروعیت نسب در خصوص اطفال سرراهی و یا اطفالی که والدین آن‌ها نامعلوم هستند چنانچه نسب نامشروع آن‌ها محرز باشد اعطای تابعیت ایرانی به آن‌ها ممکن نخواهد بود و چنانچه بی‌تابعیتی فرد ساکن در ایران محرز باشد، صرف سکونت در ایران وی را تبعه ایران نخواهد کرد (بیات و بیات، ۱۳۹۹، ۶۹۶).

اصل چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از بی‌تابعیتی مقرر داشته است که تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید. این موضوع در طرح پیش‌نویس قانون اساسی نیز در ابتدای اصل سی‌ام بدین صورت ذکر شده بود که سلب تابعیت اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۸). به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل چهل و یکم سلب تابعیت ایرانی را به‌عنوان مجازات برای شخص ایرانی که تحصیل تابعیت خارجی نموده، پیش‌بینی کرده است اما تاکنون موردی از اجرای این اصل دیده نشده است، با این که تعداد ایرانیانی که تحصیل تابعیت خارجی کرده‌اند، بسیار است. در واقع، سعی دولت‌ها باید بر این باشد که از بی‌تابعیتی جلوگیری نمایند. بنابراین سلب تابعیت به‌عنوان مجازات

۳- طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۶۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸ که در مقام امتنان نسبت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و در جهت تسهیل تحصیل تابعیت افراد مشمول قانون یاد شده وضع شده است، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به ضرر این افراد منتهی شود و آنان را در وضعیتی دشوارتر نسبت به دیگر اشخاص مشمول بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی که از زن خارجی متولد شده‌اند، قرار دهد. بنابراین چنانچه شخص نتواند با استفاده از تسهیلات مقرر در ماده واحده یاد شده تابعیت ایرانی تحصیل کند، با تحقق شرایط مقرر در بند پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی تبعه ایران تلقی می‌شود و اساساً نیازمند تحصیل تابعیت نیست و در صورت عدم صدور شناسنامه از سوی ثبت احوال با منع قانونی برای طرح دعوی الزام به صدور شناسنامه مواجه نیست.

فقط هنگامی پذیرفته می‌شود که تابعیت از نوع تابعیت اکتسابی بوده و زمانی پس از تولد به علتی برای شخص حاصل شده باشد، در این حالت نیز معمولاً در اثر انتفای علت اکتساب تابعیت می‌توان از شخص سلب تابعیت نمود^۴ (ارفع‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۸). تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، یکی از چالش‌های مهم حقوقی ایران است. با توجه به حکم مندرج در بند چهارم ماده ۹۷۶ قانون مدنی، بر مبنای قیاس اولویت، فرزند متولد از مادر ایرانی در ایران را باید ایرانی تلقی نمود، لکن این برداشت خلاف تفسیر منطقی از قانون می‌باشد (عباسی و بداغی، ۱۳۸۸، ۱).

در ماده یک مواد تدوین شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حمایت سیاسی که در سال ۲۰۰۶ میلادی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم شده است، در تعریف حمایت سیاسی آمده است که حمایت سیاسی عبارتی از مجموعه اقداماتی که یک دولت در نزد دولت دیگر به منظور جبران و ترمیم خساراتی که در اثر ارتکاب عمل خلاف حقوق دولت خارجی به یکی از اتباع او اعم از حقیقی یا حقوقی وارد شده است به عمل می‌آورد. اجرای این حمایت سیاسی از طرف یک دولت منوط به رعایت و تحقق سه شرط وجود یک علقه رسمی بین دولت حامی و مدعی خسارت‌دیده، طی مقدماتی محاکم محلی از طرف مدعی و پاکدستی مدعی می‌باشد. اصل حمایت سیاسی در سال ۱۹۳۹ میلادی به وسیله دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^۵ در قضیه ماورمیتیس نیز تعبیر شد.^۶ حمایت سیاسی به طور سنتی به عنوان یک حق انحصاری دولت شناخته شده است، بدین معنی که دولت حمایت سیاسی را به عنوان حق خود اعمال می‌کند زیرا صدمه‌ای که به تبعه آن وارد شده در حکم صدمه وارد شده به خود آن دولت محسوب می‌گردد.

۴- در کشورهای دیگر از جمله عراق، در صورتی که زن عراقی در اثر ازدواج با مردی بیگانه تابعیت وی را کسب کند، چه به صورت ارادی و چه تحمیلی، تابعیت عراق را از دست داده است اما ظرف سه سال از زمان انحلال ازدواج، می‌تواند به تابعیت عراق در آید. اما هر گاه زن بیگانه‌ای با مرد عراقی ازدواج نماید، در صورت موافقت وزیر کشور، تبعه عراق خواهد بود و می‌تواند ظرف سه سال از انحلال ازدواج، ترک تابعیت عراق نماید.

5- Court of International Justice

۶- این یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل است که یک دولت از اتباعش حمایت می‌کند. هنگامی که دولت دیگری اعمالی خلاف حقوق بین‌الملل مرتکب می‌شود و طرف متضرر از طریق دیگر قادر به احقاق حق خود نباشد. طرف متضرر با توسل به حمایت سیاسی یا آراء قضایی بین‌المللی خواهان مساعدت دولت متبوع خود می‌باشد.

۲- دلایل پیدایش تابعیت‌های دوگانه در جهان، مزایا و معایب آن

نفی بی‌تابعیتی و تابعیت مضاعف، ضرورتی برای نظام‌های حقوقی است که همواره اهمیت داشته و هریک از نظام‌ها، بسته به ظرفیت‌های گفتمانی خویش در نیل به آن تلاش دارند، ولی همچنان با چالش‌هایی روبرو است. طبق قوانین دولت‌ها، ممکن است زوج یا زوجه پس از ازدواج با دختری از کشور دیگر، بتواند تابعیت آن دولت را کسب کند مثلاً طبق قانون جمهوری اسلامی ایران اگر یک زن خارجی با یک مرد ایرانی ازدواج کند، تابعیت ایران را کسب خواهد نمود. همان‌طور که پیش از این بیان نمودیم، دولت‌ها تابعیت را بسته به دو نوع سیستم خاک^۷ و خون^۸ تعیین می‌کنند. این مسئله در برخی موارد منجر می‌شود که شخص به صورت غیرارادی دو تابعیتی شود.

همان‌طور که در بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی بیان شده است کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارج متولد شده باشند، این دسته از افراد تابعیت ایرانی خواهند داشت. حال اگر طفل در کشوری متولد شود که تابعیت بسته به سیستم خاک اعطاء می‌شود، همچون کشور انگلستان، این طفل تابعیت هر دو کشور را به صورت غیرارادی کسب خواهد کرد. سیستم خون یا تابعیت نسبی، سیستمی است که در آن، تابعیت از طریق نسبیه طفل تحمیل می‌شود یعنی طفل به محض تولد، تابعیت پدر و مادرش را تحصیل خواهد نمود. اصل خون به محلی که طفل در آن جا متولد می‌شود، توجهی ندارد. دلایل طرفداران نظریه سیستم خون و مصلحت کشورهای پرجمعیت و مهاجرپرست در این است که از این سیستم پیروی کنند زیرا کثرت تبعه برای این دولت‌ها در زمان صلح، باعث قدرت سیاسی و اقتصادی شده و همچنین در زمان جنگ نیز موجب قدرت نظامی آن‌ها می‌گردد. بنابراین مصلحت کشورهای پرجمعیت در این است که سیستم خون را اجرا نمایند تا آن که اهالی کشور را هر کجا باشند، تبعه خود بدانند. دلیل ملی یا نژادی، دومین دلیل طرفداران سیستم خون می‌باشد. این دلیل از تئوری نژادی مونتسکیو سرچشمه گرفته است. طرفداران این نظریه می‌گویند، اعمال این سیستم بهترین وسیله رعایت تأثیرات نژادی و بالتجیه ضامن علاقه‌مندی به کشور متبوع می‌گردد. علاقه‌مندی به کشور، با خون شخص آمیخته

7- jus soli

8- jus sanguinis

شده و از آن راه به طفل سرایت می‌کند (حدادیان، ۱۳۹۵، ۱۰۸۹).

نمونه دیگری از عوامل پیدایش تابعیت مضاعف، تحصیل تابعیت جدید توسط خود فرد است. شخصی ممکن است بدون از دست دادن تابعیت اولیه خود، تمایل داشته باشد تابعیت جدیدی کسب کند. کشورهایی مانند انگلستان امروزه بسته به شرایطی که منافع آن‌ها را تأمین کند، به افراد تابعیت دوگانه می‌دهند. این مسئله می‌تواند مشکلات زیادی را برای فرد به بار آورد اما با این حال افراد زیادی هستند که امروزه به این روش تابعیت دوگانه دریافت می‌کنند. بدون شک افرادی که دارای تابعیت دوگانه هستند، در کنار چالش‌ها و مشکلاتی که ممکن است با آن‌ها مواجه شوند، می‌توانند به مزایای بسیار زیادی نیز دست یابند.

از جمله مهم‌ترین امتیازات و مزایایی که تابعیت دوگانه می‌تواند برای افراد به همراه داشته باشد، استفاده از امکانات آموزشی بیشتر در کشورهای تابع، امکان یادگیری دو زبان مختلف در کشورهای متفاوت، استفاده از خدمات بهداشتی و اجتماعی هر دو کشور متبوع، امکان بهره‌مندی از قوانین مالکیت در هر دو کشور، امکان دریافت پاسپورت دوم از کشور دیگر و بهره‌مندی از مزایای آن و امکان اشتغال در هر دو کشور بدون نیاز به داشتن ویزا است. همچنین در خصوص معایب آن می‌توان به مواردی از جمله رعایت کردن قوانین هر دو کشور، اجبار در خدمات نظام وظیفه در هر دو کشور اگر انجام این خدمات الزامی باشد. همچنین اگر یکی از دولت‌های متبوع درگیر جنگ شود، فرد به‌عنوان سرباز موظف به شرکت در جنگ خواهد بود. تا به امروز دولت‌ها برای پیشگیری یا رفع مشکل دوتابعیتی اقدامات بسیاری انجام داده‌اند. در این میان، یک راه‌حل مؤثر واقع شده است، آن هم قوانینی است که کشورهای متبوع در مورد تابعیت اعمال نموده‌اند. به این صورت که یکی از دو تابعیت بر دیگری ارجحیت داشته باشد یا آن که اگر شخصی بخواهد اقدام به تحصیل تابعیت جدید نماید، تابعیت قبلی از او سلب گردد. این مسئله می‌تواند با موافقت کشور متبوع اولیه انجام شود یا آن که کشور دوم شرط پذیرش تابعیت جدید فرد را، ترک تابعیت سابق بیان کند.

برای جلوگیری از به وجود آمدن تابعیت مضاعف بهترین راه این است که هر کشوری قوانین مربوط به تابعیت خود را طوری تنظیم نماید که هیچ‌کس نتواند تابعیت جدیدی کسب کند، مگر این که مسلم

شود که تابعیت قبلی خود را از دست داده است. برای رسیدن به این مقصود دو راه حل اساسی وجود دارد. اول آن که اگر کشور متبوع اولیه ترک تابعیت شخص را بسیار ساده و بدون قید و شرط بپذیرد از بروز تابعیت مضاعف جلوگیری می شود. راه حل دوم این است که ترک تابعیت قبلی به عنوان شرط کسب تابعیت جدید باشد (ارفع نیا، ۱۳۹۱، ۵۶). راه حلی که باعث بروز اختلاف فراوانی نیز شده است بحث تابعیت فعال و مؤثرتر است. از جهت حمایت سیاسی در مواردی که دادگاه های بین المللی با موضوع تابعیت مضاعف مواجه گشته اند، سعی بر این داشته اند که از بین تابعیت های مختلف، تابعیت فعال، واقعی، مؤثر و عملی شخص را کشف کنند. به طور مثال، دیوان داوری لاهه در سال ۱۹۱۲ میلادی در قضیه کانوارو، شخصی که دارای دو تابعیت ایتالیایی و پرویی بود، تابعیت پرویی کانوارو را تابعیت فعال تشخیص داد و چنین اعلام کرد که نظر به این که در موارد عدیده رفتار و وضع کانوارو موید علاقه او به تابعیت پرویی است، دولت پرو حق دارد بدون توجه به وضع حقوقی او از نظر قانون ایتالیا، کانوارو را تبعه خود بداند. کمیسیون های مختلط داوری پس از جنگ جهانی اول نیز در قضایای مطروحه به اتفاق، این راه حل را انتخاب نموده اند.

۳- انواع تابعیت در حقوق ایران و انگلستان

مطابق قرارداد لاهه از سال ۱۹۳۰ میلادی اصولی در خصوص تابعیت در کشورها رعایت می شود که عبارتند از اصل لزوم تابعیت^۹، اصل تابعیت واحده و اصل تغییرپذیری تابعیت. اما به رغم سعی و کوششی که در سطح داخلی کشورها و در سطح بین المللی جهت رعایت این اصول صورت گرفته است گاهی با افرادی روبرو می شویم که بی تابعیت می باشند یا بیش از یک تابعیت دارند. طبق اصل تابعیت واحد، هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد. کسی که دارای بیش از یک تابعیت باشد در صحنه بین المللی دچار اشکال شده و وضع غیرعادی خواهد داشت. از طرف دیگر، استفاده از مزایای اتباع دو کشور عادلانه نیست و از طرف دیگر انجام تکلیف در برابر دو دولت مشکل است. وضعیت انجام خدمت نظام وظیفه برای تبعه ای که تابعیت دو کشور در حال جنگ را دارد

۹- دین معنی که داشتن یک تابعیت برای هر فردی لازم است.

مشکلات بسیاری به همراه دارد (روشندل، ۱۴۰۱، ۲۳۲).

انواع تابعیت‌های اصلی در حقوق جمهوری اسلامی ایران در بندهای دوم الی پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی تعیین گردیده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد. در دسته نخست تابعیت کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است قرار می‌گیرد. در بند دوم ماده فوق این‌گونه آمده است که کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند. باید گفت این تابعیت در بدو تولد فردی که از یک پدر ایرانی متولد می‌شود به وی اعطاء خواهد شد. همچنین در بند ششم همین ماده برای جلوگیری از تابعیت مضاعف بیان کرده است که هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران محسوب خواهد شد. در قانون انگلستان نیز تابعیت مضاعف طی مصوبه‌ای در سال ۱۹۴۸ میلادی ممنوع نگردیده است. چنانچه اتباع انگلستان تابعیت دیگری را کسب کرده باشند به خودی خود تابعیت از آنان سلب نخواهد شد. همچنین نیاز به ترک تابعیت نمی‌باشد.

در خصوص تابعیت مضاعف در ایران و انگلستان تابعیت مضاعف گاهی در زمان تولد به وجود می‌آید و گاهی دیگر بعد از تولد حادث می‌شود. تابعیت مضاعف تولدی یا اصلی در اثر تعارض تابعیت نسبی یا همان سیستم خون و با تابعیت سرزمینی یا همان سیستم خاک به وجود می‌آید. تابعیت مضاعف بعد از تولد و یا اکسایبی نیز، در اثر تحصیل تابعیت جدید با حفظ یا تعارض دو تابعیت نسبی یا دو سیستم پیدا می‌شود.

نتیجه

موارد بروز تابعیت مضاعف به دو دسته تابعیت زمان تولد و تابعیت بعد از تولد تقسیم‌بندی می‌شوند. دولت‌ها راجع به طریق تحصیل تابعیت به یک نحو عمل نمی‌کنند زیرا بعضی از دولت‌ها تابعیت طفل را از روی تابعیت والدین (سیستم خون) و بعضی دیگر از روی محل تولد (سیستم خاک) معین می‌نمایند. با نگاهی به نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان می‌توان به این نتیجه دست یافت که برخلاف نظام انگلستان، ایران همچنان پس از سال‌ها پیرو نظریه وحدت تابعیت بوده و تنها در مواردی از نظریه استقلال نسبی تابعیت پیروی می‌نماید، در حالی که در انگلستان سال‌ها است که نظریه استقلال تام تابعیت زن پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد که مشکلات به وجود آمده در طول

سال‌های اخیر نشان می‌دهد که قانون تابعیت ایران در مورد اصل وحدت تابعیت، کفاف مقتضیات جامعه امروز ایران را نداده و نیازمند تجدیدنظرهای جدی در این زمینه است. لذا بازنگری در قواعد قانون مدنی ایران در باب ازدواج با اتباع بیگانه مندرج در بند ششم ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۷ و همچنین ماده ۹۸۴ قانون مدنی الزامی به نظر می‌رسد.

پیشنهاد

پیشنهاد می‌گردد در حقوق ایران علی‌الخصوص ماده ۹۷۶ قانون مدنی تجدیدنظر گردد چرا که طبق اصول چهل و یکم و چهل و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عدم تحمیل تابعیت برداشت نمی‌شود. همچنین ضروری است که در زمینه اعطای شهروندی در حقوق ایران در حوزه‌های مختلف قواعد و قوانین به صورت دقیق‌تر وضع گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ارفع‌نیا، بهشید، ۱۳۹۱، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهتاب.
- بیات، فرهاد و بیات، شیرین، ۱۳۹۹، **شرح جامع قانون مدنی**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات ارشد.
- توسلی نائینی، منوچهر و پورمراد، رویا، ۱۳۹۶، اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی، پژوهش فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۲۰.
- جمشیدی گرجی، مصطفی، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران و انگلیس، **ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی**.

- حدادیان، محمدعلی، ۱۳۹۵، بررسی تابعیت مضاعف در حقوق بین الملل، کنفرانس بین المللی نوآوری

در علوم و تکنولوژی.

- روشندل، شهرام، ۱۴۰۱، ماهیت تابعیت مضاعف در حقوق مدنی ایران و بین الملل، فصلنامه مطالعات علوم

سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۳.

- عباسی، عاطفه و بداعی، فاطمه، ۱۳۸۸، حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی،

دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۱.

لاتین

- British Nationality Act 1948
- Convention on the Elimination British Nationality Act 1981 of All Forms of Discrimination against Women. 18 Dec 1979
- European Convention on Nationality. 6 Nov. 1997

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the

Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two

Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com